

متن پرسش

با عرض سلام و احترام: بنده از خوانندگان کتب شما هستم و مطالعه آنها دریچه‌ای تازه به رویم باز نموده بخصوص آثار‌تان در بحث نفس و معاد. اخیراً کتاب مبانی معرفتی مهدویت را می‌خواندم. در صفحه ۹۹ کتاب □ نحوه ظهور حضرت حجت (عج) □ ما در کجای تاریخ ایستاده ایم؟ را مطالعه می‌کردم. عنوان داشته‌اید: این انقلاب آمده است که وضع موجود جهان را نفی کند. این‌ها می‌خواستند ما یک هلند و ژاپن بشویم. منظورتان چیست؟ آیا پیشرفت جامعه اسلامی نباید مد نظر باشد؟ آیا وضعیت کنونی جامعه، آن چیزی که عنوان داشته‌اید را، جوابگوست؟ اگر قرار به نفی وضع موجود است اول باید وضع بهتری را ارائه داد، بعد وضع موجود را نفی کنیم. حالا وضعیت اقتصادی را کنار می‌گذاریم (که خود جای بحث دارد فقر، بحث مفصلی دارد که در قرآن کریم و در روایات اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» به آن پرداخته شده است. در تعالیم دینی، گاهی از فقر مذمت شده است. در این روایت و امثال آن، فقر را مصیبت دانسته‌اند. در روایت دیگری، فقر، مقدمه کفر دانسته شده: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»؛ نزدیک است که فقر، به کفر انجامد [کافی، ج ۲، ص ۳۰۷] یا سبب رو سیاهی دنیا و آخرت بیان گردیده است □ [بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۳۰]. امیرالمؤمنین (ع) به محمد حنفيّه می‌فرماید: ای فرزندم! من برای تو از فقر می‌ترسم، پس از آن به خداوند پناه ببر که همانا فقر، دین را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است. [نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹]. آیا وضعیت اسفبار اجتماعی، فرهنگی و بخصوص اعتقادات مذهبی مردم، آن چیزی که از انقلاب اسلامی انتظار می‌رفت را برآورده نموده است. آیا وضعیت موجود جامعه، جایگزین خوبی برای نفی وضع موجود جهان می‌تواند باشد؟ به اسم اسلام این همه دروغ و تزویر، ظلم و بی‌عدالتی بر جامعه رفته است، نگویید که سیاه‌نمایی است که وضعیت موجود خود گویا ست. ژاپن و هلند اسلامی درست کردن اشتباه است یا یک کشور عقب افتاده و ورشکسته و به ظاهر اسلامی؟ وضعیت کنونی جامعه، این انتظاری که از انقلاب اسلامی می‌رفت نبود. نتوانستیم جایگزین خوبی برای نفی وضع موجود جهان ارائه بدهیم. متأسفانه وضعیت کنونی جامعه به گونه‌ای است که دین و امام زمان (عج) در بین آحاد افراد جامعه بطور حقیقی بیگانه‌اند. ظاهر را نمی‌گویم اعتقاد درونی افراد مد نظر است. کسانی هم که دم از دین و امام می‌زنند بخاطر مردم فریبی و دکان قرار دادن و به متاع دنیا رسیدن می‌باشد. که اگر غیر از این بود وضعیت جامعه این چنین نبود. (خیلی از مسائل قابل بحث است که در اینجا نمی‌گنجد) کتاب‌هایی از شما را که مطالعه نموده‌ام بی‌اغراق می‌گویم عالیست. اما بعضی مواقع از وضعیت کنونی جامعه مواردی مطرح می‌نمایید که بدور از واقعیت می‌باشد. باید قبول کنیم روی اعتقادات و کلاً

ساخت انسان و جامعه مد نظر اسلام برای آماده سازی جامعه برای ظهور منجی کار نکردیم. مردم در این مدت بجز دروغ و فریب، بی عدالتی و تبعیض چیز دیگری ندیدند. متأسفانه فساد در تمامی لایه ها نفوذ کرده است افرادی با هیچگونه صلاحیتی به پست های بالا گمارده می شوند بدون هیچگونه ضابطه ای و صرفاً بر اساس رابطه، با این وضعیت آمده ایم تا وضع موجود جهان را نفی کنیم. آیا بهتر نبود بجای شعار های تو خالی و عوام فریب، روی جامعه ای نمونه و مد نظر اسلام کار می کردیم و از این طریق بجای ایجاد حوادث ظهور، شرایط ظهور را فراهم می کردیم. و انقلاب اسلامی را از طریق ایجاد جامعه مد نظر اسلام، به دنیا می شناسا ندیم و باعث صدور انقلاب اسلامی می شدیم. نه با وضعیت کنونی که از درون داریم از هم می پاشیم. مواردی را که مطرح کردم از سر دلسوزی و دردی که از این وضعیت دارم مطرح نموده نه از روی بغض و کینه. الان با این شرایط چقدر به شرایط ظهور نزدیک هستیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه اندازه این سخنان تان به اندیشه و نظرات بنده نزدیک است. آری! ما با انقلاب اسلامی خواستیم زندگی بهتری را که در همه ی ابعاد جوابگوی نیازهای مادی و معنوی ما باشد، جایگزین وضع موجود کنیم، در حالی که در حال حاضر در شرایطی هستیم که رویهمرفته نه اسلامی شده ایم آن طور که اسلام، جامعه را اصلاح می کند؛ و نه غربی. ولی باید از خود بپرسیم چرا فعلاً در چنین وضعی هستیم که بحث آن بسیار مفصل است و ریشه در تاریخ دوپست ساله ی ما دارد. فکر می کنم با دنبال کردن شرح صوتی ۷۰ جلسه ی کتاب «عقل و ادب ادامه ی انقلاب اسلامی در این تاریخ» راهی گشوده شود تا بدین موضوع بتوانیم کمی فکر کنیم. موفق باشید